

سرشناسه	: منصورى لاريجاني، اسماعيل، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پندوار	: هنر صنعت و صنايع هستي / اسماعيل منصورى لاريجاني، ويرااستاز مريم لطفى؛
مشخصات نشر	: قم: خادم الرضا (ج)، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهري	: ۲۰۸ ص، ۱۶۰×۲۴۰ بيم.
شابک	: 978-600-206116-4
وضعيت فهرست نویسی	: آهيا
باندداشت	: کتابخانه: ص ۲۰۱
موضوع	: ژبانيشناسي (عرفان)
موضوع	: *Aesthetics (Mysticism)
موضوع	: خدا -- اثبات ايقان صنعت
موضوع	: Intelligent design (Teleology)
موضوع	: خدا -- اثبات هستي شناختي
موضوع	: Proof, Ontological -- God
شناسه افزوده	: لطفى، مريم، ويرااستاز
شناسه افزوده	: Loutfi, Maryam
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگي هنري حکمت علوي
زده بندي کنگره	: ۹/۲۸۴[BP]
زده بندي ترویجی	: ۸۳،۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۱۷۳۱۵



هنر صنعت و صنايع هستي

مؤلف: دکتر اسماعيل منصورى لاريجاني

ويرااستاز: مريم لطفى

صفحه آرايى: مرتضى نديري

طراح جلد: استاد مرتضى شمس عليپور

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹

چاپ: کوثر - صحافى: براتى

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۶۱۱۶-۴

320000

حق چاپ محفوظ است.

ارتباط با ما:

قم، خيaban صفايه شهيد، انتهاي كوچه ۲۸، پلاک ۲۸۲
صندوق پستی ۱۱۱۶ - ۳۷۱۹۵



تلفن ۰۲۵ - ۳۷۷۳۶۱۶۵ - ۳۷۷۴۲۱۲۳
۰۹۱۲ ۷۴۶ ۱۲۰۵ - ۰۹۱۲ ۳۵۱ ۳۶۸۹



صفحه اينستاگرام @khademolrezaa
نمايش تصاوير، معرفى كتابها و مطالب مرتبط با انتشارات



فروشگاه مجازى انتشارات Kh-reza.ir
با امکان خريد محصولات و بهره مندى از تخفيف ویژه



کانال سروش @khademolrezaa
اطلاع رسانی آخرين اخبار و تازه هاى نشر



سامانه پیامکى ۳۰۰۰۱۹۱۹۶
عضويت در باشگاه مخاطبين با ارسال عدد ۱۱۲



● عزيزانى كه از طريق سايت و يا سامانه پيام کوتاه به باشگاه مخاطبين انتشارات خادم الرضا ع مى پيوندند به قيد قرعه جوايزى اهدا ميگردد.

ہنر صنع و صناعت ہستی

دکتر اسماعیل منصور لاریجانی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۹	تعریف هنر و هنرمند
۲۰	تعریف صنغ
۲۲	هنر صنغ
۲۳	صناعت هستی
۲۵	فصل دوم: برهان حنیف
۲۷	۱. برهان حرکت
۲۸	۲. برهان حدوث
۲۸	۳. برهان نظم
۲۸	۴. برهان وجوب وامكان
۲۹	۶. برهان فطرت
۳۰	۷. برهان صدیقین
۳۱	۸. برهان وجودی
۳۲	۹. تقریر برهان حنیف
۴۱	فصل سوم: خلاقیت و هنر
۴۳	معنی خلق
۴۸	داستان سلیمان <small>عليه السلام</small> و بلقیس

- ۵۴..... توسع فیض الهی
- ۵۵..... براهین اشاعره بر «تجدد امثال»
- ۶۲..... تمثیل امواج دریا و تجدد امثال
- ۶۳..... تجلّی مدام در قرآن کریم
- ۶۷..... فصل چهارم: قوه خیال و هنر
- ۶۹..... اهمیت قوه خیال
- ۷۱..... عالم خیال (مثال) در آیات و روایات
- ۷۳..... مُثُل و مُثَال
- ۷۵..... خیال در حوزه معرفت شناسی
- ۸۰..... خیال در حوزه انسان شناسی
- ۸۳..... خیال در حوزه هستی شناسی
- ۸۴..... خیال در نظر این عربی
- ۹۰..... هنر خیال
- ۹۰..... ۱. عالم واسط
- ۹۰..... ۲. جمع اضداد و امور ممتنع
- ۹۱..... ۳. خیال و معرفت شهودی
- ۹۲..... ۴. خیال و خلاقیت و تجلّی
- ۹۲..... ۵. عالم برزخ و معاد
- ۹۳..... ۶. خیال خزانه اعمال آخرت
- ۹۴..... ۷. تعبیر خواب
- ۹۵..... آفت خیال
- ۹۸..... خیال و هنر سازنده

۱۰۱	فصل پنجم: عشق و حرکت حبی
۱۰۳	تعریف عشق
۱۰۴	حرکت جوهری چیست؟
۱۰۶	محرک حرکت
۱۰۷	بستر حرکت
۱۰۹	برهان تشخص
۱۱۲	خلاصه بحث
۱۱۹	حرکت حبی
۱۲۰	مسیر حرکت حبی (ولایت)
۱۲۲	کیفیت حرکت حبی
۱۲۴	اوصاف خلیفه الله
۱۲۹	فصل ششم: هنر زیبایی
۱۳۱	پیشینه زیبایی
۱۳۴	منشأ حقیقت زیبایی
۱۳۴	الف) نظریه درونی
۱۳۵	ب) نظریه بیرونی
۱۳۵	حقیقت زیبایی در قرآن
۱۳۸	معیار تشخیص زیبایی
۱۴۱	ه) وحدت‌گرایی
۱۴۷	جلوه‌های زیبایی
۱۴۸	نمایشگاه انفسی و آفاقی
۱۵۲	هنرمند کیست؟ تماشاگراست یا ستایشگر؟

۱۵۸.....	خلاصه سخن
۱۶۲.....	فصل هفتم: هنرگفتگو با خدا
۱۶۴.....	پرسش اصلی
۱۶۵.....	از خدا سخن گفتن (روش‌ها)
۱۶۵.....	توحید سلبی یا تنزیهی
۱۶۹.....	توحید ایجابی یا تشبیهی
۱۷۰.....	تشبیه درعین تنزیه
۱۷۳.....	روش ملاصدرا
۱۷۵.....	نظریه معناداری سخن از خدا
۱۷۷.....	هنرگفتگو با خدا
۱۷۸.....	دعا یا هنر سخن گفتن با خدا
۱۸۲.....	قابلیت انتخاب و شاکله هنرورزی
۱۸۳.....	هنر قابلیت (عبودیت)
۱۸۶.....	نتیجه بحث
۱۹۰.....	فصل هشتم: هنر و موسیقی
۱۹۲.....	تعریف موسیقی و سماع
۱۹۵.....	موسیقی در قرآن و روایات
۱۹۹.....	موسیقی و صنعت هستی
۲۰۰.....	سماع صوفیانه
۲۰۲.....	منابع

مقدمه

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دائماً با نقش‌ها و رنگ‌ها و جلوه‌های گوناگون در آسمان و زمین مواجه هستیم و هرچه خرد و اندیشه خود را در کم و کیف این نقش‌ها و جلوه‌ها تیز و تمیز کنیم، بر حیرت و شگفتی ما افزوده می‌شود. راز این شگفتی‌ها، در بداهت و زیبایی‌های بدیع و تازه به تازه است که مدام ذهن و اندیشه را به بیان تازه‌ها دعوت می‌کند، چنانکه حکیم عارف جناب مولوی می‌گوید:

هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود / وارهد از حد جهان بی‌حد و اندازه شود

بی‌تردید این صنعت هستی شگفت در جهان هستی، صانعی بزرگ دارد که «بدیع السماوات و الارض» است. نه طبیعت را یارای خلق این زیبایی‌ها و حکمت‌هاست و نه تاریخ کهن و مادون آن به این عجایب گواهی می‌دهند، بلکه جهان هستی را صاحبی است خدانام که خود را خالق و مصور و مبتکر صنایع هستی و شگفتی‌های آن معرفی می‌کند: هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى. (حشر/۲۴) خداوندی که هم خالق خلاق و هم مبتکر نقش‌ها و صورت‌هاست. و علاوه بر آن نام‌های زیبا دارد: وَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.

در اسمای الهی حقایقی پنهان است که خداوند متعال آنها را به آدم

ابوالبشر تعلیم داده است و جهان هستی به خاطر تعلیم آن اسماء به حضرت آدم علیه السلام، از رازهای شگفت پرده برگرفت، به طوری که فرمود: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. (بقره/۳۱) فرشتگان با همه عظمت و قرب درگاه، خود از سر اسمای الهی عاجز شدند و خداوند متعال حضرت آدم را معلم آنها قرار داد تا به تعلیم اسمای الهی بپردازد. به قول حضرت مولوی:

درس آدم را فرشته مشتری محرم درسش نه دیوست و پری
آدم انبئهم با سما درس گو شرح کن اسرار حق را موبه مو

براین اساس محققان حکما و عرفا معتقد هستند که اسمای الهی سرشار از حقایق و دقائق حکمی و علمی هستند و انسان با معرفت به اسماء الله، حامل این حقایق و اسرار می شود. در این صورت جایگاه ذکر و سلوک عرفانی اهمیت و ضرورت خود را نشان می دهد و سالک الی الله با متصف شدن به اوصاف و اسمای الهی، می تواند هنر صنع را در صنعت هستی کشف کند. مثلاً با اتصاف به حقایق اسم (باری)، مبتکر و خلاق می شود و با اتصاف به حقایق اسم «مصور»، نقاش و صورتگر می شود و همین طور سایر اسمای الهی، آثار خاص خود را در انسان ظاهر می کنند.

بدین ترتیب هنرمند واقعی کسی است که موحد و عاشق واقعی خداوند متعال و آثار صنع او در جهان هستی باشد، به طوری که با کشف زیبایی های هستی هنرآفرینی می کند و حتی از چیزهایی که به نظر انسان های معمولی عیب و کاستی محسوب می شود، نیز هنر می سازد. به قول وحشی بافقی:

به عین عشق هر کو دیده ورشد همه عیب جهان پیشش هنر شد

پس ما با جهانی مواجه هستیم که خداوند متعال صنعت خود را در پدیده‌ها و ذرات بزرگ و کوچک آن به تصویر کشیده است و تجلی این آثار و صناعات، پیوسته «هنر صنع» را خلق می‌کنند و باز از ترکیب این هنرهای خلق شده، هنر تازه دیگری خلق می‌شود تا جایی که پایانی برای این هنرها و زیبایی‌های صنع نیست. به قول نظامی گنجوی:

هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه تر از تازه تری می‌رسد

به همین دلیل ما نام اثر پیش رورا «هنر صنع و صنعت هستی» نهادیم. و نکته مهم دیگر اینکه از ارتباط هنر صنع با صنعت هستی، توانستیم «برهان حنیف» را کشف کنیم. بنابراین در فصل اول کتاب تحت عنوان کلیات، به تعریف هنر و هنرمند و نیز هنر صنع و صنعت هستی پرداختیم و فصل دوم کتاب را به «برهان حنیف» اختصاص دادیم و با بیان انواع براهین درباره خداشناسی، به تبیین برهان حنیف پرداختیم و آن کشف صنعت هستی است که طراز هر پدیده در نظام آفرینش است، به طوری که حق تعالی فرمود: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ. (سجده ۷) و هنر صنع در واقع شناخت این طراز و اندازه هر شیء در چیدمان آفرینش است.

عجیب آنکه این برهان حنیف در تجلی مدام حق تعالی، زیبایی تازه و جلوه‌ای نو خلق می‌کند. و ارتباط مستمر ذهن هنرمند با برهان حنیف چنین تصور می‌نماید که ذهن هنرمند خالق آن هنر و زیبایی است، در حالی که خالق و موجد اصلی آن برهان حنیف است، ولی ذهن و اندیشه هنرمند، خلاق آن است. یعنی به آراستن و نمایاندن آن زیبایی در قالب شعر و موسیقی و نقاشی و سایر مؤلفه‌های هنری می‌پردازد. همچنین ارتباط عمیق و آنتولوژیک هنرمند با آثار صناعات هستی،

موجب طراوت و جوشش خلاقیت و نوآوری در او می‌گردد و در پرتو جهان بینی فلسفی الهی به این باور می‌رسد که خالق هنرها زیبایی، خداوند متعال است. و کار او تنها شناسایی و مانایی هنرها و زیبایی در جهان است که در اصطلاح آن را «هنرنالیستی» می‌نامند. فصل سوم کتاب از این جهت به خلاقیت و هنراختصاص یافته است.

فصل چهارم کتاب به قوه خیال و ارتباط آن با هنر می‌پردازد. بدون شک باز بگر اصلی نمایشگاه آفاقی و انفسی قوه خیال است و بنا به تعبیر جناب محیی الدین عربی، هر کس نقش قوه خیال را خوب نفهمد هیچ چیز را نفهمیده است. به قول حافظ:

هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

قوه خیال، نقش‌ها و آثار بدیع خلقت را شناسایی و صورتگری می‌کند و نه تنها از محصولات حواس ظاهر و محسوسات صورت‌سازی می‌کند، بلکه از ترکیب آن‌ها هم صورت‌های تازه می‌آفریند و حتی از معانی کلی که در حوزه ادراکات عقلی است صورت می‌آفریند. کاربرد قوه خیال در حوزه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و نیز انسان‌شناسی که در این فصل اجماً به آن پرداختیم، از فرازهای عجیب و خواندنی این کتاب است. به طوری که اگر قوه خیال نبود انسان هرگز به کشف آثار صنع و صناعت هستی توفیق پیدا نمی‌کرد.

قوه خیال در صورتی به کشف آثار صنع و صناعت هستی نایل می‌شود که عاشق خالق یکتا و آفریننده هنرها و زیبایی می‌گردد. و الا هر نیروی خیالی، صلاحیت کشف هنرها و زیبایی را ندارد. به همین دلیل جناب حافظ فرمود:

عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

از این رو فصل پنجم کتاب به عشق و حرکت حَبّی اختصاص یافت و در آغاز این فصل به تعریف حرکت جوهری و جایگاه آن در اندیشه ملاصدرا اشاره شد تا عظمت جایگاه عشق و حرکت حَبّی بهتر شناخته شود. حرکت خود مقوله‌ای از حرکت حَبّی است و حکیم ملاصدرا با نظریه اصالت وجود دقیقاً به این نکته مهم و گوه‌رین توجه نموده است که در متن کتاب چگونگی آن را مطالعه خواهید کرد، به طوری که اصالت حبّ و عشق از آن حق تعالی است و ظهور آن در ولایت کلیه مطلقه است که فیض حق را در هیكل کائنات و ممکنات ساری و جاری می‌کند و بدون باده ولایت، کسی خلعت عشق بر تن نمی‌کند:

هر که را از عشق خلعت داده‌اند باده از جام ولایت داده‌اند

فصل ششم کتاب نیز به بررسی ماهیت هنر و زیبایی اختصاص یافت تا مرز هنرهای زمینی و زیبایی‌های مفهومی جهان غرب از هنر آسمانی و ریشه دار قرآنی و عرفانی باز شناخته شود. و نیز تفاوت هنر و زیبایی و قلمرو هر یک توصیف شود، به طوری که هنر، اعم از زیبایی است. هنر قرآنی و الهی این ظرفیت را دارد که از دردها و رنج‌ها، لذت و آرامش خلق کند و حتی از عیب‌ها و زشتی‌های عامیانه زیبایی تولید کند. به قول وحشی باققی:

هنر سنجی کند سنجیده عشق نبیند عیب هرگز، دیده عشق

یا جناب حافظ می‌گوید:

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

هیچ بشری هنر و زیبایی را خلق نمی‌کند، بلکه نقش‌ها و آثار جهان

هستی، تجلی جمال الهی هستند و هنرمند تنها این زیبایی را شناسایی و به استخدام خود درمی آورد و یا با ترکیب و تجزیه آنها، تنوع در آثار بدیع آفرینش ایجاد می کند. و با ابزارهای مختلف هنری به آنها شکل و قالب تازه ای می بخشد.

فصل هفتم کتاب که بهترین فصل کتاب هم محسوب می شود، به هنر گفتگو با خدا اختصاص یافته است. زیرا در فضای دعا و نیایش انسان با حقیقت مطلق و جمال دل آرای او مواجه می شود و آرام آرام آثار منت و خودبینی ها در او محو می شود و به جای آن، آثار دلگشای حضرت حق تبارک و تعالی و اسم جمال الهی در دل او متجلی می شود. به قول فیض کاشانی:

ز بس بستم خیال تو، تو گشتم پای تا سر من تو آمد خرده خرده، رفت من آهسته آهسته

در آن صورت آنچه از انسان تراوش می کند، آثار ربّوبی و زیبایی های جمال حضرت دوست است و هنر صنع در همین فضا، نصیب انسان هنرمند می شود. کسانی که صنعت هستی را نمی شناسند و نگاه و منظرشان به جهان هستی، منظری توحیدی و الهی نیست برای همیشه از هنر صنع محروم هستند و چیزهایی را به نام هنر عرضه می کنند که محصول تخیلات دیگران و یا آثار خودبینی ها و تصورات و احساسات شخصی خودشان است. و امروز در دنیای غرب آنچه به نام هنر کلاسیک در آکادمی ها و مؤسسات علمی و هنری تدریس می شود، اغلب هنر مقلدانه از این و آن است و علی رغم ظاهری آراسته از روح و حقیقت هنر تهی هستند. به قول حافظ:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند

هزار نکته باریک‌ترز مو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند
 در فصل هشتم به بحث هنر و موسیقی پرداختیم که از مباحث مهم و
 قابل اعتنا در همه دوران و نوشته‌ها و تحقیقات بزرگان این عرصه بوده و
 خواهد بود. دفاع از ساحت موسیقی که در حقیقت صدای آفرینش است
 و نیز دفاع از ساحت سماع که شنیدن ندای خالق هستی است، از
 مطالب جدید و خواندنی این کتاب است.

امیدوارم اثر پیش رو بتواند فضایی تازه برای هنرمندان و پژوهشگران
 حوزه هنر و زیبایی‌شناسی بگشاید و زمینه و دستیابی به هنر حقیقی را
 فراهم آورد. و جام جم درون هر یک از انسان‌ها را به آینه زیبایی و
 هنرگشای جهان الهی مبدل کند و غبار غفلت را از دیده و دل شستشو
 دهد تا همگان بدانیم که هنر حقیقی چیزی جز تجلی جمال حق تعالی در
 جام جم دل نیست. به قول حافظ:

به سر جام جم آن‌گه نظر توانی کرد که خاک میکده کحل بصر توانی کرد
 جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار به بنشان تا نظر توانی کرد

از خداوند متعال که خالق زیبایی و هنرهاست می‌خواهم که نفس
 نفس زندگی و قلم و بیان و قدم و بنان ما را در مسیر رضایت و خشنودی
 خود قرار دهد.

منصوری لاریجانی

۱۳۹۷/۴/۲۹